

مرید معمار

الیف شفق

ترجمہ دکترا علی سلامی



شفق، الیف، ۱۹۷۱-م. Shafak, Elif
مرید معمار/الیف شفق: ترجمه علی سلامی؛ ویراستار: مهدی سجودی مقدم.
تهران: مهراندیش، ۱۳۹۶.

۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۲۹-۶

.The architect's apprentice, 2015

سلامی، علی، ۱۳۴۶ - Salami, Ali

سجودی مقدم، مهدی، ۱۳۴۰ - سجودی مقدم

۴۸۱۴۷۴۹ ۸۱۳/۶ PS۳۱۱۲ ۷۴۱۳۹۶



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «ا» مشخص می‌شود،
استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای
ویرگی نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن درست
متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



مرید معمار

• الیف شفق •

• ترجمه دکتر علی سلامی •

• ویراستار: مهدی سجودی مقدم •

• صفحه آرایی: مهراندیش • چاپ: اول، تهران، ۱۳۹۶ •

• چاپ: هنگام ۵۰۰ نسخه • شماره نشر: ۱۲۵-۱۷ •

• قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان • شابک: ۶-۲۹-۶۳۹۵-۶۰۰-۹۷۸



هرگونه خلاصه نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت کامل و یا بخشی از
آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب
پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان ابوریحان، نرسیده به خیابان جمهوری، کوچه رازی، بن بست مینا، شماره ۴.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۶۵ ۰۹۱۹۷۲۸۱۱۶۹ ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com mehrandishpub@gmail.com

@mehrandishbooks www.ketab.ir/mehrandishbooks



فهرست

۷	مقدمهٔ منجم
۴۱	پیش از استاد
۱۲۳	استاد
۲۴۵	گنبد
۴۲۳	بعد از استاد

مقدمه مترجم

الیف بیلگین با نام مستعار الیف شفق^۱ در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۱ در شهر استراسبورگ فرانسه دیده به جهان گشود. پدرش نوری بیلگین^۲ فیلسوف ترک و مادرش شفق آتایمان^۳ به نام مادرش به عنوان نام خانوادگی استفاده کرد و نام مستعار الیف شفق را برگزید و معتقد است بزرگ نشدن در یک خانواده مردسالار تأثیر زیادی روی نوشتن هایش گذاشت.

شفق دوران نوجوانی را در مادر و عمان گذراند و بعد به ترکیه بازگشت. در بسیاری از شهرهای جهان زندگی کرده است - بوستون، میشیگان، آریزونا، استانبول و لندن، و نوشته هایش تا حد زیادی متأثر از این شیوه زندگی است. او نه تنها خود را به عنوان فردی می بیند که از کشور به کشور دیگر و از شهری به شهری دیگر سفر می کند، بلکه از زبانی به زبانی دیگر نیز سرگردان است. حتی وقتی به زبان مادری اش می نویسد، با لغات زبان های دیگر بازی می کند و از آن ها در نوشته هایش استفاده می برد. باین حال علاقه زیادی به استانبول دارد که نقش مهمی در رمان های او ایفا می کند. در نتیجه حسی از چندفرهنگی و جهان شهری در زندگی و آثار او دیده می شود.

1. Elif Bilgin.

2. Elif Şafak.

3. Nuri Bilgin.

4. Şafak Atayman.

شفق را محبوب‌ترین نویسنده زن ترکیه نامیده‌اند. وی تاکنون ۱۵ کتاب منتشر کرده که ۱۰ عنوان از آن‌ها رمان است. شفق به زبان انگلیسی و ترکی می‌نویسد. سنت‌های قصه‌گویی شرق و غرب را در هم می‌آمیزد و در اغلب داستان‌هایش به زنان، اقلیت‌ها، مهاجرها، فرهنگ‌های فرعی و جوانان می‌پردازد. در نوشته‌هایش از فرهنگ‌ها و سنت‌های ادبی مختلف بهره می‌گیرد و مضامینی از قبیل تاریخ، فلسفه، عرفان، فرهنگ عامه و سیاست فرهنگی می‌پردازد. شفق همچنین از طنز سیاه استفاده می‌کند. او در سال ۲۰۱۰ نشان شوال ادبیات، هنر و ادبیات فرانسه را دریافت کرد.

شفق آثارش را در کافه‌های شلوغ، رستوران‌ها، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های ترم و قطار و به‌ویژه نان‌پزی در میان بوی نان تازه می‌نویسد و گاهی نیز در خانه به نعلباز می‌پردازد. هر جا فرصت پیدا کند، می‌نویسد، به شرط آنکه سکوتی وجود داشته باشد. شفق سکوت را دوست ندارد.

از میان شخصیت‌های داستانی او به ارلاندو^۱ در رمانی به همین نام اثر ویرجینیا ولف^۲ علاقه‌مند است، به‌ویژه وقتی ارلاندو از قسطنطنیه می‌گریزد و در میان کولی‌ها زندگی می‌کند.

از میان شخصیت‌های دنیا برای ماندلا، معجزه زن یک شخصیت سیاسی و برای مولانا جلال‌الدین رومی به‌عنوان یک عارف از جریح‌ها و زخاها، قائل است. تأثیر تفکرات مولانا در آثارش کاملاً مشهود است.

اولین رمانش را تحت عنوان «پنهان»^۳ در سال ۱۹۹۴ نوشت و در سال ۱۹۹۸ موفق به دریافت جایزه رومی برای بهترین ادبیات عرفانی ترکیه شد. در آثارش از فرهنگ‌های متنوع استفاده می‌کند و می‌کوشد مرزهای فرهنگی را در هم بشکند. در رمان «حرامزاده استانبول»^۴ روایتی از کشتار ارمنه ارائه

1. Orlando.

2. Virginia Woolf.

3. Pinhan.

4. The Bastard of Istanbul.

می‌دهد که به دلیل نوشتن این رمان در سال ۲۰۰۶ از سوی مقامات ترکیه به دادگاه فراخوانده شد، اما تبرئه گردید.

شفق علاوه بر نوشتن رمان 'یک مفسر سیاسی و سخنران نیز هست. نوشته‌های او در روزنامه‌های معتبری مثل گاردین، نیویورک تایمز و ایندپندنت منتشر شده است. شفق در دانشگاه‌های ترکیه، انگلستان، و آمریکا تدریس کرده و ترا سرایی نیز می‌کند.

به اعتقاد او در ترکیه کسی در مورد جنسیت یک نویسنده مرد نمی‌نویسد. او را یک رمان‌نویس می‌دانند. اما وقتی منتقدان درباره یک نویسنده زن می‌نویسند، ربانی که به کار می‌بندند، اصولاً با ربانی که درباره یک نویسنده مرد می‌نویسند بسیار تفاوت است. در جامعه ترکیه به نویسنده زن به دیده تحقیر می‌نگرند. بسیار ظریف، نظام‌مند سعی می‌کنند جایگاه او را در جامعه و محدودیت‌هایش را به او گوشزد کنند. به ویژه، رمان به عنوان یک ژانر ادبی، یک اثر روشنفکرانه محسوب می‌شود و زنان تا زمانی که به سن پیری برسند، به عنوان روشنفکر محسوب نمی‌شوند.

شفق اعتقاد دارد که افراط‌گرایی در یک جا به افراط‌گرایی در جاهای دیگر منجر می‌شود. از ملی‌گرایی افراطی به تعصب دینی انتقاد می‌کند و هر دو را مبتنی بر یکجانبه‌نگری و عدم بردباری می‌داند. به این‌طور که صوفیان سال‌ها پیش گفته‌اند، همه ما در مقام انسان با یکدیگر در ارتباطیم. اما افرادی وجود دارند که به گسترش افراط‌گرایی در خاورمیانه و ایجاد اسلام‌هراسی در غرب دامن می‌زنند. این یک دور باطل است. باید این دور باطلِ نفرت، دامن‌داری و دوگانگی را درهم شکنیم. لازم است روایتی بیابیم که مبتنی بر کثرت‌گرایی، شفقت، هوشمندانه و انسان‌مداری خلاق باشد.

شفق داستان‌نویسی است با پشتوانه دانشگاهی چندرشته‌ای. او دانش‌آموخته روابط بین‌الملل است، مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات زنان و جنسیت دارد و مدرک دکترای تخصصی در علوم سیاسی دارد. از این رو بسیاری

از این مضامین در آثارش راه می‌یابند. انسانی کنجکاو و علاقه‌مند به خواندن است. باور دارد که انسان 'عالم صغیر این جهان است و همان‌گونه که جهان دائماً وسعت می‌یابد، انسان نیز باید دانش و ذهن خود را وسعت بخشد.

او مفهوم جهان‌شهری را باور دارد و اعتقاد دارد که در این زندگی، اگر تدارک هر چیزی را بیاموزیم، باید از کسانی یاد بگیریم که با ما فرق می‌کنند. تنوع یک موهبت است، یک نوع زیبایی است.

به اعتقاد او در هنر داستان‌نویسی «ما» و «آنها» وجود ندارد. فقط انسان باقی و مرد دارند که شادی‌ها و اندوه‌های مشابه دارند و همچنین کابوس‌ها و رؤیای مشابه. قصه می‌تواند شکاف فکری و فرهنگی را از میان بردارد.

از نویسندگان مردمانش می‌توان از تی. اس. الیوت، امیلی برونته، کامو، پروست، شکسپیر، سروانتس، مری شلی نام برد.

در رمان‌های شفق 'قهرمان به معنای قراردادی آن وجود ندارد. در آثارش نمی‌توان شخصیت‌هایی را پیدا کرد که کاملاً خوب یا کاملاً بد باشند. در هر یک 'درجه‌ای از خوبی و درجه‌ای از بدی در نظر می‌گیرد. همه چیز نسبی است و برای درک این پیچیدگی باید به سفری درونی دست زد. هر انسانی تصویری از صداها متضاد است. این است دیالکتیک زندگی.

عرفان را به صورت جویبار، رود و آبراهی می‌بیند که همه در آن در یک مسیر مشخص حرکت می‌کنند، به سوی اقیانوس. در رمان 'چهل قانون عشق' عرفان به عنوان یک سری اطلاعات نظری ارائه نمی‌شود. انسانی زنده و پویاست. به عبارتی در این کتاب شفق نشان می‌دهد که عرفان برای انسان معاصر چه کار می‌تواند انجام دهد. این کتاب نشان می‌دهد که امروز فلسفه مولانا جلال‌الدین برای تمام انسان‌ها بسیار مفید و سازنده است.

در رمان چندلایه 'مرید معمار' معماری به عنوان مضمونی قدرتمند

است که جزئیات و طرح‌های باشکوهی را ارائه می‌دهد. گنبد آسمان معماری باشکوه خداوند است و اوست معمار یگانه جهان هستی.

جهان، شخصیت اصلی رمان «مرید معمار»، برخلاف طبیعت سلامت و درست خویش در مسیری قرار می‌گیرد که با دروغ و ناراستی آغاز می‌شود و به ناچار هم ادامه می‌یابد. به همراه قیلش چوتا سر از قصر پادشاه عثمانی، سلطان سلیمان، درمی‌آورد، فیلبان قصر می‌شود، هر بار که فرصتی نصیبش می‌شود، خواست ناخدایی فریبکار و زورگو و از ترس او دست به دزدی می‌زند و در این میان نیز راهی را با مهری‌ماه، دختر مهربان و زیبای سلطان، آغاز می‌کند. چنان که در دنیایی از فریب و دسیسه گرفتار شده، گاهی احساس می‌کند که ماه‌ریزگی تنها یک نمایش است که همه به نوعی در آن می‌خرامند و نقشی ایفا می‌کنند. اما در این شبکه عظیم دروغ و تزویر پیوسته پوینده حقیقت است و همواره به دنبال دانش عینی و استوار و موهبت شفابخش عشق راستین است. در این مکاشفه تاریخی حایت سینان، معمار بزرگ دربار، برخوردار می‌شود. سینان جهان را زیر پرچم خود می‌گیرد، چون در وجود او شاگردی مستعد و جانشینی توانا می‌یابد؛ از طایعی امیدوار است او را از ضعف‌های شخصیتی‌اش که ممکن است او را به تگاه بودی بکشانند، نجات دهد. سینان با شکیبایی، طی سالیان، به جهان و شاه‌شهر استانبول، ارزش هنر را به مثابه هنر می‌آموزد و همچنین به عنوان وسیله‌ای برای گذشتن از اختلافات فرهنگی و کشف ارزش واقعی خویش. هم‌زمان 'جهان' در نگرانی از چوتا معنا و آرامش می‌یابد، فیلی که از خردی خاموش و طبیعی برخوردار است.

اما آرامش و هماهنگی در دنیای جهان شناور است. بنیاد جهان در دستان می‌گویند علم و بلندپروازی سینان موهن است. زلزله، طاعون و جنگ نیز از بیرون سینان و شاگردهایش را تهدید می‌کند. این معمارها از درون با نفرت‌های نهانی و رازهای مگوی خود از هم جدا می‌افتند. شاید بدتر از همه سلاطینی هستند که قدرت مطلق و کبر زیاد آنها را به فساد کشانده و دائماً سد راه

سینان و هنر معماری او می‌شوند. جهان و همکارانش می‌کوشند سخت تلاش کنند و در فضایی آکنده از بیداد و استبداد نفس‌گیر دوام بیاورند.

سینان، معمار بزرگ دربار، به مریدانش می‌آموزد که در درون و بیرون هماهنگی و تعادل بیافرینند، به آن‌ها می‌آموزد که چگونه هر بخش با کل پیوند یابد، و اینکه چطور باید خود را دوباره و دوباره از میان ویرانه‌ها بازسازی کند.

جهان می‌آموزد که خراب کردن یک پل از ساختن آن راحت‌تر است؛ آفریدن زمان، مهارت و شکیبایی می‌طلبد. خراب کردن پل از نظر استعاری به خراب کردن این دین، این فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی اشاره دارد. شفق نشان می‌دهد که چگونه نفرت، حسادت و نیروی ویرانگرند و چگونه عشق می‌تواند دنیا را از نو بسازد.

در این رمان 'خداوند به عمارت سیم می‌شود. مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، زرتشتی‌ها و مردم ادیان مختلف زیر یک گنبد نامرئی زندگی می‌کنند. برای چشمی که بتواند ببیند، معماری در همه جا وجود دارد.

سینان می‌گوید: «معماری آینده‌ای است که هماهنگی و توازن موجود در دنیا را نشان می‌دهد. معماری گفتگو با خداوند است.»

الیف شفق همواره به مکاشفه در نظریه «بگرو» می‌پردازد و اینکه طردشدگان و بیگانگان چه سرنوشتی پیدا می‌کنند، و با طردشدگان و بیگانگان دیگر دوستی می‌کنند و یکدیگر را می‌فهمند. برای او این نوع شخصیت‌ها، که به دلیلی به حاشیه رانده شده‌اند، به یک زبان صحبت می‌کنند، هرچند از فرهنگ‌های مختلفی می‌آیند. گاهی حتی یک حیوان 'بهترین دوست انسان و مونس تنهایی‌های او می‌شود.

تأثیر هزارویک‌شب در سراسر این رمان مشهود است. جهان، مثل شهرزاد، توجه شاهزاده خانم، مهری‌ماه زیبا را، با گفتن داستان‌هایی جذاب جلب می‌کند و باعث می‌شود شاهزاده خانم دائماً نزد او بیاید. در این رمان چندلایه

داستان‌های فراوانی از قتل، تکبر، عشق و آز با شخصیت‌های گیرا از گوشه و کنار دنیا وجود دارد.

«مرید معمار» داستان شاگرد معماری‌ست که در وجود استاد خویش عشقی جاودانه به جوهر زندگی، زیبایی‌های آفرینش، فضائل انسانی، هنر و شوق تمام‌نشدنی‌ساختن و بنا کردن را می‌یابد و خود نیز به تدریج از پرتگاه‌هایی که به کمین آدمیت آدمی نشسته‌اند، می‌گریزد، و معمار عاشق‌پیشه‌ای می‌شود که با آنگ موزون آفرینش هم‌آوا می‌گردد و آرامش راستین و بی‌بدیل زندگی را در عشق و زیبایی می‌جوید.

علی سلامی

مرداد ۱۳۹۶